

اگر اشکی از چشم آمد، یعنی به تو اذن داده‌اند

آنچه می‌خوانید بیانات و توصیه‌های حکیمانه عارف واصل و فقیه عالیقدر مرحوم آیت‌الله بهجت است که در مورد عزاداری و گریه بر امام حسین(ع) ایراد شده است...



آنچه می‌خوانید بیانات و توصیه‌های حکیمانه عارف واصل و فقیه عالیقدر مرحوم آیت‌الله بهجت است که در مورد عزاداری و گریه بر امام حسین(ع) ایراد شده است:

آقایانی که به شغل مداحی اهل‌بیت مبتلا هستند و به ذکر فضایل و مصائب آن بزرگواران می‌پردازند، باید بدانند که در چه موقعیتی هستند و چه چیزی را دارند انجام می‌دهند و برای چه دارند این کار را می‌کنند. باید بدانند همان مودت ذی‌القربی که در قرآن است پیاده می‌کنند، خواه ذکر فضایل اهل‌بیت (ع) باشد و یا ذکر مصایب آنان، همه اجر رسالت را ادا کردن، و مردم را بر قرآن تثبیت کردن است؛ زیرا در قرآن آمده است که *إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى*. اگر کسی بگوید ما قرآن را می‌خواهیم، ولی با اهل‌بیت کاری نداریم و *حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ*، ما می‌گوییم: آیا همان کتاب‌الله که در آن *#171؛ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى*؛ هست، آن را می‌گویید؟ آیا می‌شود گفت کاری به اهل‌بیت نداریم؟ کتاب‌اللهی که در آن می‌گوید: *#171؛ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي*؛ آن را می‌گویید؟ آیا این بدون اكمال، بدون ولایت اهل‌بیت می‌شود؟

آن قرآن را می‌گویید که می‌گوید: *#171؛ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا*؛ بله، اگر در قرآن شما این آیه‌ها نباشد، ممکن است بگویید ما قرآن را می‌گیریم و در قرآن ما اینها نیست. علی‌هذا، باید بدانیم که يك واجب بزرگی بر دوش همه هست. معلمین و مداحان باید بفهمانند که از محبت اینها نباید دست برداشت. همه چیز در محبت است.

ما اگر خدا را دوست نداریم، آیا ممکن است دوستانش را دوست نداشته باشیم؟ آیا ممکن است اعمالی را که او دوست دارد، دوست نداشته باشیم؟ آیا می‌شود کسی دوست خدا باشد ولی دوست دوستان خدا نباشد؟ و اعمالی را که خدا، دوست نداشته باشد، و اعمالی را که خدا دشمن دارد دوست داشته باشد؟ آیا چنین چیزی می‌شود؟ قهراً کسی که گفته است *#171؛ حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ* و هیچ چیز دیگری لازم نیست؛ دروغ واضح و آشکار است، مثل اینکه در روز بگوید حالا شب است و در شب بگوید: حالا روز است.

کتاب‌الله که پر است از *#171؛ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ*؛ کتاب‌الله که صف متقین و فاسقین را جدا نموده ببینید فاسقین چه کسانی هستند و متقین چه کسانی هستند. حالا آیا می‌شود تفکیک و تبعیض کرد؟ این مثل آن است که کسی بگوید: ما نصف قرآن را قبول داریم و نصف دیگر را قبول نداریم، کما اینکه یهود و نصاری سبب سال قبل گفتند: لعن یهود و نصاری باید از قرآن حذف شود. حتی غیر از خداپرستی چیز دیگر در قرآن نباید باشد. آیا واقعاً اگر قرآن را تنصیف کنیم، قرآن است؟ سپس بگوییم خداپرستی هم لازم نیست. بت‌پرستان هم بگویند خوب ما هم گناهی داریم هم صفایی داریم، هم زنايي داریم، هم مال مردم‌خوری داریم، البته يك مطالبی هم دیگر قائلند که می‌گویند لازم نیست خدا یکی باشد، بلکه اینها *#171؛ شَقَعْنَا عِدَّةَ اللَّهِ*؛ هستند. پس اگر بنا بر تبعیض باشد، اکثر مردم اصلاً خداپرست نیستند، بلکه بت‌پرستند. در صورتی که دین خدا تبعیضی نیست، یا باید همه‌اش را بگیری یا اینکه هیچ چیز را نگیری.

يك مرد ناجوری هنگام مرگ به بچه‌های خودش وصیت کرد: ای بچه‌ها! اینهایی که شما را به خداپرستی و دینداری دعوت می‌کنند تا می‌توانید وجود خدا را انکار کنید، وگرنه اگر مغلوب شوید و قبول کنید که خدایی هست دیگر از شر اینها راحت نمی‌شوید و باید تابع اینها باشید، اگر گفتند زن باید از روی دست وضو بگیرد و مرد از پشت دست وضو بگیرد، نمی‌توانی مخالفت کنی. در هر صورت باید ببینید مداحی چیست و مصیبت‌خوانی چیست، گریاندن و گریستن چیست؟ برخی آن قدر احمق هستند که نمی‌فهمند این اشک‌آطریقه تمام انبیاء علیهم‌السلام بوده برای شوق لقاءالله و برای تحصیل رضوان‌الله. در مسأله دوستان خدا نیز از همین باب است و محبت اینها هم - اگر در مصائب اینها اشک می‌آورد و در شادی آنان شادمان، و در حزن آنها محزون می‌سازد - همینطور است.

دلیل بسیار است.

اول اینکه: همه انبیاء علیهم‌السلام از خوف خدا بکاء داشتند، آیا از شوق لقای خدا بکاء نداشتند؟ انبیاء علیهم‌السلام کارشان همین بوده است. اگر کسی انبیاء را قبول دارد، باید بکاء و گریه را قبول داشته باشد.

و همچنین این مسأله که وارد شده است و نزد ما ثابت است و این مطلب در اذن دخول سیدالشهداء علیه السلام منصوص است که

«أَدْخُلُ يَا اللَّهُ؟ أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟« ای خدا، آیا وارد شوم؟ ای پیامبر خدا! آیا داخل شوم؟

از اینها باید استیذان بشود. اما کیست که این مطلب را بفهمد و عاقل باشد: «فَلِنْ دَمَعَتْ عَيْنُكَ، فِتْلِكَ عَلَامَةُ الْإِدْنِ«

پس اگر چشمت اشک آلود شد، این نشانه اذن و اجازه [از سوی خدا و رسول خدا] می باشد.

اگر اشکی از چشم آمد، علامت این است که به تو اذن داده اند. این اشک چشم من به اعلی علیین مربوط است، اما احمقها می گویند: نه اشک چشم - نعوذ بالله - خرافات است. در حالی که این اشک چشم به بالا مربوط است.

عمل امداوود آن قدر مفصل است که بعضیها از ظهر تا غروب نمی توانند تمام کنند. دستور است که در آن سجده آخري سعی بکن از چشمت اشکی بیاید، اگر اشک آمد علامت این است که دعای تو مستجاب شد.

حالا يك عده ای می گویند این اشک هیچ کاره است، در حالی که این اشک مربوط است به اعلی علیین، از آنجا استیذان می کند و از آنجا استجاب دعا می کند.

لذا کسانی که حاجت مهمی دارند باید بدانند نمازها و عبادت هایی را که برای حاجت ذکر شده انجام دهند، برای اینکه چون تثبیت بکنند یا تأیید بکنند و به حاجت خودشان برسند، باید ملتفت باشند که بعد از طلب حاجت و دعا و نماز به سجده بروند و سعی کنند به اندازه بال مگسی، تر بشود. اشک چشم علامت این است که مطلب تمام شد.

بله، چیزی که هست عینک ما درست صاف نیست، ما نمی فهمیم. چون فرض کنید ما از خدا خانه می خواهیم و خدا خانه ای که ما می خواهیم برای ما مصلحت نمی داند، حالا خدا چه کار می کند، آیا دعای او را باطل می کند؟ نه بلکه بالاتر از خانه به او می دهد، به ملك می فرماید: «چند سال عمر این فرد را افزایش بده«، در حالی که این بیچاره خیال می کند در برابر این همه زحمت که کشید، اثری از خانه و از دعای خودش ندید و دعایش مستجاب نشد. چون نمی داند که بالاتر از استجاب این دعا به او داده است، این را نمی فهمد. باید به خدا حسن ظن داشته باشیم و عینک باید واسع و صاف باشد و کدورت نداشته باشد.